بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع

تدبر در قصهٔ حضرت صالح«علیه السلام» و قوم ثمود در قرآن

«عاقبت شوم استکبار و طغیانگری»

«ایمان و تقوا تنها راه نجات بشر»

تهیه کننده : قاسمی
استاد راهنما: حجت الاسلام علی رجبی

فهرست

۱. فهرست آیات و سور
۲. دعوت همهٔ پیامبران به یک دین
۳. اصحاب حجر(قوم ثمود)
۴. صفات حضرت صالح
۵. دعوت و هدایت حضرت صالح
۶. اندرزهای حضرت صالح به قوم خود
۷. واکنش قوم ثمود درمقابل حضرت صالح
۸. بهانه تراشی قوم ثمود
۹. علت گمراهی قو م ثمود
۰۱. توطئه قوم ثمود
۱۱. سرانجام شوم مکذّبین
۲۱. عبرت آموزی آیندگان از آثار گذشتگان
۳۱. شریک بودن افراد جامعه در رضا و غضب خداوند
۴۱. آموزه ها و پند های قصهٔ ثمودیان و حضرت صالح(ع)

۱- فهرست آیات و سور

۱ اصحاب حجر (قوم ثمود)

ردیف	سوره	آیات	محل نزول	ردیف	سوره	آیات	محل نزول
۱	اعراف	۷۳ الی ۷۹	مکه	۱۲	ص	۱۲ الی ۱۵	مکه
۲	توبه	۷۰	مدینه	۱۳	غافر	۳۰ الی ۳۲	مکه
۳	هود	۶۱الی ۶۸ - ۸۹ - ۹۵	مکه	۱۴	فصلت	۱۳ و۱۴ – ۱۷ و۱۸	مکه
۴	ابراهیم	۹ الی ۱۳	مکه	۱۵	ق	۱۱ و۱۲- ۱۵	مکه
۵	حجر	۸۰ الی ۸۴	مکه	۱۶	الذاریات	۴۳ الی ۴۵	مکه
۶	اسراء	۵۹	مکه	۱۷	نجم	۴۲ الی ۵۵	مکه
۷	حج	۴۱ الی ۴۸	مدینه	۱۸	قمر	۲۳ الی ۳۱	مکه
۸	فرقان	۳۷ الی ۳۹	مکه	۱۹	الحاقه	۴ و۵ - ۸	مکه
۹	شعراء	۱۴۱ الی ۱۵۹	مکه	۲۰	بروج	۱۲ - ۲۰	مکه
۱۰	نمل	۴۵ الی ۵۳	مکه	۲۱	فجر	۹ – ۱۱ الی ۱۴	مکه
۱۱	عنکبوت	۳۸	مکه	۲۲	شمس	۱۱ الی۱۵	مکه

موضوع

۲ـ دعوت همهٔ پیامبران به یک دین

۲ دعوت همهٔ پیامبران به یک دین

فصلت/۱۴

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ (۱۳) إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ اللَّهَ ...(۱٤)(فصلت)

اگر آنها روی‌گردان شوند، بگو: من شما را از صاعقه‌ای همانند صاعقه عاد و ثمود می‌ترسانم!(۱۳)در آن هنگام که رسولان از پیش رو و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند (و آنان را دعوت کردند) که جز خدا را نپرستید....(۱٤)

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود)

۱ ساخت خانه ای امن در دل کوه

۲ اصحاب حجر (قوم ثمود)

۱ ـ ساخت خانه ای امن در دل کوه

حجر/۸۰

وَ لَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ (۸۰) (حجر)

و «اصحاب حجر» [قوم ثمود] پیامبران را تکذیب کردند!(۸۰)

حجر/۸۲

وَ كَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً آمِنِينَ (۸۲) (حجر)

آنها خانه‌های امن در دل کوه‌ها می‌تراشیدند.(۸۲)

۴ـ صفات حضرت صالح

۱ـ فرستادهٔخدا

۲ـ پیامبری امین

۳ـ عدم مطالبه پاداش برای تبلیغ و دعوت

۴ـ مورد اعتماد قوم قبل از دعوت(شناخت کامل قوم ازحضرت صالح)

۴ صفات حضرت صالح

۱ ـ فرستادهٔ خدا

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (٤٥) (نمل)

ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه را بپرستید! امّا آنان به دو گروه تقسیم شدند که به مخاصمه پرداختند.(٤٥)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَ سُقْيَاهَا (١٣) (شمس)

و فرستاده الهی [صالح] به آنان گفت: «ناقه خدا [همان شتری که معجزه الهی بود] را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید)!»(١٣)

۴ صفات حضرت صالح

۲ - پیامبری امین

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۴۳) (شعراء)

من برای شما پیامبری امین هستم (۱۴۳)

۴ صفات حضرت صالح

۳ـعدم مطالبه پاداش برای تبلیغ و دعوت

وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلاَّ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۴۵) (شعراء)

من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است!(۱۴۵)

۴ صفات حضرت صالح

۴ـ مورد اعتماد قوم قبل از دعوت(شناخت کامل قوم ازحضرت صالح)

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوّاً قَبْلَ هٰذَا أَ تَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَ إِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (٦٢) (هود)

گفتند: «ای صالح! تو پیش از این، مایه امید ما بودی! آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، نهی می‌کنی؟! در حالی که ما، در مورد آنچه به سوی آن دعوتمان می‌کنی، در شک و تردید هستیم!»(٦٢)

۵ـ دعوت و هدایت حضرت صالح

۱ـ دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه
۲ـ یادآوری نعمتها
۳ـ خیرخواهی و دلسوزی حضرت صالح
۴ـ آوردن معجزه جهت انذارواتمام حجت
۵ـ مقام رسالت نعمتی از جانب خداوند
۶ـ امر به پرهیزگاری واطاعت ازپیامبر خود

۵ دعوت وهدایت حضرت صالح

۱ ـ دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه

وَ إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ لاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۳) (اعراف)

و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این «ناقه» الهی برای شما معجزه‌ای است؛ او را به حال خود واگذارید که در زمین خدا (از علفهای بیابان) بخورد! و آن را آزار نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت!(۷۳)

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَ فِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (۱۰) (ابراهیم)

رسولان آنها گفتند: «آیا در خدا شکّ است؟! خدایی که آسمانها و زمین را آفریده؛ او شما را دعوت می‌کند تا گناهانتان را ببخشد، و تا موعد مقرّری شما را باقی گذارد!» آنها گفتند: «(ما اینها را نمی‌فهمیم! همین اندازه می‌دانیم که) شما انسانهایی همانند ما هستید، می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند بازدارید؛ شما دلیل و معجزه روشنی برای ما بیاورید!»(۱۰)

۵ دعوت و هدایت حضرت صالح

۲ـ یادآوری نعمتها

وَ إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ لاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۳) (اعراف)

و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این «ناقه» الهی برای شما معجزه‌ای است؛ او را به حال خود واگذارید که در زمین خدا (از علفهای بیابان) بخورد! و آن را آزار نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت!(۷۳)

۵ دعوت و هدایت حضرت صالح

۳ـ خیرخواهی و دلسوزی حضرت صالح

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لٰكِنْ لاَ تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (۷۹) (اعراف)

(صالح) از آنها روی برتافت؛ و گفت: «ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید!»(۷۹)

۵ دعوت و هدایت حضرت صالح

۴ـ آوردن معجزه جهت انذارواتمام حجت

وَ مَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلاَّ أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَ آتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَ مَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلاَّ تَخْوِيفاً (۵۹)(اسراء)

هیچ چیز مانع ما نبود که این معجزات (درخواستی بهانه‌جویان) را بفرستیم جز اینکه پیشینیان (که همین درخواستها را داشتند، و با ایشان هماهنگ بودند)، آن را تکذیب کردند؛ (از جمله،) ما به (قوم) ثمود، ناقه دادیم؛ (معجزه‌ای) که روشنگر بود؛ اما بر آن ستم کردند (و ناقه را کشتند). ما معجزات را فقط برای بیم دادن (و اتمام حجت) می‌فرستیم.(۵۹)

۵ دعوت و هدایت حضرت صالح

۵ـ مقام رسالت نعمتی از جانب خداوند

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لٰكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱) (ابراهیم)

پیامبرانشان به آنها گفتند: «درست است که ما بشری همانند شما هستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند)، نعمت می‌بخشد (و مقام رسالت عطا می‌کند)! و ما هرگز نمی‌توانیم معجزه‌ای جز بفرمان خدا بیاوریم! (و از تهدیدهای شما نمی‌هراسیم؛) افراد باایمان باید تنها بر خدا توکّل کنند!(۱۱)

۵ دعوت و هدایت حضرت صالح

۶ـ امر به پرهیزگاری و اطاعت از پیامبر خود

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَ لاَ تَتَّقُونَ (۱۴۲) (شعراء)

هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟!(۱۴۲)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ (۱۴۴) (شعراء)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!(۱۴۴)

۶ـ اندرز های حضرت صالح به قوم خود

۱ـطلب مغفرت از خدا

۲ـخسران انسان با نافرمانی خداوند

۳ـناقه امتحان و نشانه ای ازجانب خدا

۴ـعدم ماندگاری امنیت و نعمت های فراوان آنان

۵ـعدم پیروی از مسرفین و دنیا پرستان

۶ـصبر و توکل کلید سعادت

۷ـتوکل مؤمنین بر خداوند

۶ اندرزهای حضرت صالح به قوم خود

۱ ـ طلب مغفرت از خدا

وَ إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (٦١) (هود)

و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت‌کننده (خواسته‌های آنها) است!»(٦١)

۶ اندرزهای حضرت صالح به قوم خود

۲ـ خسران انسان با نافرمانی خداوند

أَ لَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَ أَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ الْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۷۰)(توبه)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [قوم لوط]؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛) خداوند به آنها ستم نکرد، امّا خودشان بر خویشتن ستم می‌کردند!(۷۰)

قَالَ يَا قَوْمِ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ آتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ (٦٣) (هود)

گفت: «ای قوم! اگر من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رحمتی از جانب خود به من داده باشد (، می‌توانم از ابلاغ رسالت او سرپیچی کنم)؟! اگر من نافرمانی او کنم، چه کسی می‌تواند مرا در برابر وی یاری دهد؟! پس، (سخنان) شما، جز اطمینان به زیانکار بودنتان، چیزی بر من نمی‌افزاید!(٦٣)

۶ اندرزهای حضرت صالح به قوم خود

۳ـ ناقه امتحان و نشانه ای ازجانب خدا

وَ يَا قَوْمِ هٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ لاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (٦٤) (هود)

ای قوم من! این «ناقه» خداوند است، که برای شما نشانه‌ای است؛ بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود؛ هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که بزودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت!»(٦٤)

إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَ اصْطَبِرْ (٢٧) وَ نَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ (٢٨) (قمر)

ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می‌فرستیم؛ در انتظار پایان کار آنان باش و صبر کن!(٢٧)و به آنها خبر ده که آب (قریه) باید در میانشان تقسیم شود، (یک روز سهم ناقه، و یک روز برای آنها) و هر یک در نوبت خود باید حاضر شوند!(٢٨)

۶ اندرزهای حضرت صالح به قوم خود

۴ـ عدم ماندگاری امنیت و نعمت های فراوان آنان

شعراء /۱۴۶الی۱۵۰

أَ تُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ (١٤٦) فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (١٤٧) وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (١٤٨) وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً فَارِهِينَ (١٤٩) فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ (١٥٠)

آیا شما تصوّر می‌کنید همیشه در نهایت امنیّت در نعمتهایی که اینجاست می‌مانید،(۱۴۶)در این باغها و چشمه‌ها،(۱۴۷)در این زراعتها و نخلهایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است؟!(۱۴۸)و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید، و در آن به عیش و نوش می‌پردازید!(۱۴۹)پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید!(۱۵۰)

موضوع

۶ اندرزهای حضرت صالح به قوم خود

۵ـ عدم پیروی از مسرفین و دنیا پرستان

شعراء /۱۵۰الی۱۵۲

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ (۱۵۰) وَ لاَ تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (۱۵۱) الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لاَ يُصْلِحُونَ (۱۵۲)(شعراء)

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید!(۱۵۰)و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید!(۱۵۱)همانها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند!»(۱۵۲)

۶ اندرزهای های حضرت صالح به قوم خود

۶ـ صبر و توکل کلید سعادت

ابراهیم/۱۲

وَ مَا لَنَا أَلاَّ نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲)

و چرا بر خدا توکّل نکنیم، با اینکه ما را به راه‌های (سعادت) رهبری کرده است؟! و ما بطور مسلّم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد (و دست از رسالت خویش بر نمی‌داریم)! و توکّل‌کنندگان، باید فقط بر خدا توکّل کنند!»(۱۲)

۶ اندرزهای حضرت صالح به قوم خود

۷ـ توکل مؤمنین بر خداوند

ابراهیم/۱۱

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لٰكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

پیامبرانشان به آنها گفتند: «درست است که ما بشری همانند شما هستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند)، نعمت می‌بخشد (و مقام رسالت عطا می‌کند)! و ما هرگز نمی‌توانیم معجزه‌ای جز بفرمان خدا بیاوریم! (و از تهدیدهای شما نمی‌هراسیم؛) افراد باایمان باید تنها بر خدا توکّل کنند!(۱۱)

۷ـ واکنش قوم ثمود در برابر پیامبر خود

۱ـ تکذیب پیامبر خود همانند اقوام گذشته

۲ـ متکبران و سران، تکذیب کنندگان و مستضفین ایمان آورندگان(برخورد اشراف قوم ثمود با حامیان حضرت صالح)

۳ـ سرپیچی از فرمان الهی

۴ـ عدم پذیرش توحید و ربوبیت تشریعی و توحید الوهیت

۵ـ شتاب برای نزول عذاب الهی

۶ـ تهمت گمراهی و جنون به حضرت صالح

۷ـ دروغگو وهوسباز خطاب کردن حضرت صالح

۸ـ برگزیدن ضلالت و گمراهی(نابینایی)برهدایت(عذاب خوار کننده نتیجه ضلالت گمراهی)

۹ـ تکذیب انذارهای الهی

۱۰ـ فساد و طغیان درشهرها

۱۱ـ تهدید به بیرون راندن حضرت صالح از سرزمین خود

۷ واکنش قوم ثمود در برابر پیامبر خود

۱ ـ تکذیب پیامبر خود همانند اقوام گذشته

حجر/۸۰

وَ لَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ (۸۰)

و «اصحاب حجر» [قوم ثمود] پیامبران را تکذیب کردند!(۸۰)

شعراء/۱۴۱

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (۱٤۱)

قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند،(۱٤۱)

ص/۱۲الی ۱۴

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲)وَ ثَمُودُ وَ قَوْمُ لُوطٍ وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ (۱۳)إِنْ كُلٌّ إِلاَّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (۱٤)

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند!(۱۲)و (نیز) قوم ثمود و لوط واصحاب الأیکه [قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)!(۱۳)هر یک (از این گروه‌ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت!(۱٤)

ق/۱۲

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲)

پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب الرسّ» [قومی که در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند] و قوم ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند،(۱۲)

۷ واکنش قوم ثمود در برابر پیامبر خود

۲- متکبران و مستکبران، تکذیب کنندگان ومستضعفان ایمان آورندگان(برخورد اشراف قوم ثمود با حامیان حضرت صالح)

اعراف/۷۵

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَ تَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحاً مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۷۵)

(ولی) اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟!» آنها گفتند: «ما به آنچه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده‌ایم.»(۷۵)

۷ واکنش قوم ثمود در برابر پیامبر خود

۳ـ سرپیچی از فرمان الهی

حجر/۸۱

وَ آتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۸۱)

ما آیات خود را به آنان دادیم؛ ولی آنها از آن روی گرداندند!(۸۱)

قمر/۲۹

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹)

آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد!(۲۹)

شعراء/۱۵۵ الی ۱۵۹

قَالَ هٰذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَ لَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (۱۵۵) وَ لاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵۶) فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ (۱۵۷) فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۵۸) وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۵۹)

گفت: «این ناقه‌ای است (که آیت الهی است) برای او سهمی (از آب قریه)، و برای شما سهم روز معیّنی است!(۱۵۵)کمترین آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!»(۱۵۶)سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده آن را «پی» کردند؛ (و هلاک نمودند) سپس از کرده خود پشیمان شدند!(۱۵۷)و عذاب الهی آنان را فرا گرفت؛ در این، آیت و نشانه‌ای است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند!(۱۵۸)و پروردگار تو عزیز و رحیم است!(۱۵۹)

۷ واکنش قوم ثمود دربرابر پیامبر خود

۴- عدم پذیرش توحید وربوبیت تشریعی و توحید الوهیت

ابراهیم/۱۰

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَ فِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (۱۰)

رسولان آنها گفتند: «آیا در خدا شکّ است؟! خدایی که آسمانها و زمین را آفریده؛ او شما را دعوت می‌کند تا گناهانتان را ببخشد، و تا موعد مقرّری شما را باقی گذارد!» آنها گفتند: «(ما اینها را نمی‌فهمیم! همین اندازه می‌دانیم که) شما انسانهایی همانند ما هستید، می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند بازدارید؛ شما دلیل و معجزه روشنی برای ما بیاورید!»(۱۰)

۷ واکنش قوم ثمود در برابر پیامبر خود

۵ـ شتاب برای نزول عذاب الهی

اعراف/۷۷

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَ عَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَ قَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷۷)

سپس «ناقه» را پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند؛ و گفتند: «ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه ما را با آن تهدید می‌کنی، بیاور!»(۷۷)

نمل/۴۶

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْ لاَ تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (٤٦)

صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید (و عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید تا شاید مشمول رحمت (او) شوید؟!»(٤٦)

۷ واکنش قوم ثمود دربرابر پیامبر خود

۶ـ تهمت گمراهی و جنون به حضرت صالح

شعراء/۱۵۳

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۵۳)

گفتند: «(ای صالح!) تو از افسون شدگانی (و عقل خود را از دست داده‌ای!)(۱۵۳)

۷ واکنش قوم ثمود در برابر پیامبر خود

۷ـ دروغگو و هوسباز خطاب کردن حضرت صالح

قمر/۲۵ و ۲۶

أَ أُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (٢٥) سَيَعْلَمُونَ غَداً مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ (٢٦)

آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده؟! نه، او آدم بسیار دروغگوی هوسبازی است!(۲۵) ولی فردا می‌فهمند چه کسی دروغگوی هوسباز است!(۲۶)

۷ واکنش قوم ثمود در برابر پیامبر خود

۸ـ برگزیدن ضلالت وگمراهی(نابینایی)بر هدایت(عذاب خوار کننده نتیجهٔ ضلالت و گمراهی)

فصلت/۱۷ و ۱۸

وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۷) وَ نَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ (۱۸)

امّا ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند؛ به همین جهت صاعقه -آن عذاب خوارکننده- به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند آنها را فروگرفت!(۱۷) و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند نجات بخشیدیم!(۱۸)

۷ واکنش قوم ثمود در برابر پیامبر خود

۹ـ تکذیب انذارهای الهی

قمر/۲۳

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳)

طایفه ثمود (نیز) انذارهای الهی را تکذیب کردند،(۲۳)

موضوع

۷ واکنش قوم ثمود در برابر حضرت صالح

۱۰ـ فساد و طغیان در شهرها

فجر/۱۱ و۱۲

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲)

همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند،(۱۱)و فساد فراوان در آنها به بار آوردند؛(۱۲)

۷ واکنش قوم ثمود در برابر حضرت صالح

۱۱ـ تهدید به بیرون راندن حضرت صالح از سرزمین خود

ابراهیم/۱۳

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳) (ابراهیم)

(ولی) کافران به پیامبران خود گفتند: «ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به آیین ما بازگردید!» در این حال، پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: «ما ظالمان را هلاک می‌کنیم!(۱۳)

۸ـ بهانه تراشی قوم ثمود

۱ـ درخواست معجزه از حضرت صالح

۲ـ عدم پیروی از بشری همانند خود

۳ـ عدم نزول وحی برآنان

۴ـ فال بد گرفتن وجود حضرت صالح(حضرت صالح را عامل بدبختی خود می دانستند)

۵ـ نزول فرشتگان برآنان

۶ـ انکار عذاب الهی

۸ بهانه تراشی قوم ثمود

۱ ـ در خواست معجزه از حضرت صالح

شعراء/۱۵۴ الی ۱۵۶

مَـا أَنْـتَ إِلاَّ بَشَـرٌ مِثْلُنَـا فَـأْتِ بِآيَـةٍ إِنْ كُنْـتَ مِـنَ الصَّـادِقِينَ (١٥٤) قَـالَ هٰذِهِ نَاقَةٌ لَهَـا شِرْبٌ وَ لَكُـمْ شِـرْبُ يَـوْمٍ مَعْلُـومٍ (١٥٥) وَ لاَ تَمَسُّـوهَا بِسُـوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ (١٥٦) (شعراء)

تو فقط بشری همچون مائی؛ اگر راست می‌گویی آیت و نشانه‌ای بیاور!»(۱۵٤)گفت: «این ناقه‌ای است (که آیت الهی است) برای او سهمی (از آب قریه)، و برای شما سهم روز معیّنی است!(۱۵۵)کمترین آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!»(۱۵٦)

۸ بهانه تراشی قوم ثمود

۲ـ عدم پیروی از بشری همانند خود

قمر/۲۴

فَقَالُوا أَ بَشَراً مِنَّا وَاحِداً نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذاً لَفِي ضَلَالٍ وَ سُعُرٍ (٢٤)

و گفتند: «آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود!(٢٤)

۸ بهانه تراشی قوم ثمود

۳ـ عدم نزول وحی برآنان

قمر/۲۵

أَ أُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (۲۵)

آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده؟! نه، او آدم بسیار دروغگوی هوسبازی است!(۲۵)

۸ بهانه تراشی قوم ثمود

۴ـ فال بد گرفتن وجود حضرت صالح(حضرت صالح را عامل بدبختی خود می دانستند)

نمل/۴۷

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَ بِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (٤٧)

(عامل بدبختی قوم اعمال خودشان بود.این آیه نشان می دهد این قوم با وجود امکانات و نعمت های فراوان دچار مشکلات و مصائبی بودند .حضرت هم فرمود اعمال خودتان مایه ی بدبختی است)

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: «فال (نیک و) بد شما نزد خداست (و همه مقدّرات به قدرت او تعیین می‌گردد)؛ بلکه شما گروهی هستید فریب‌خورده!(٤٧)

۸ بهانه تراشی قوم ثمود

۵ـ نزول فرشتگان بر آنان

فصلت/۱۳ و۱۴

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ (۱۳) إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلاَئِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (١٤)

اگر آنها روی‌گردان شوند، بگو: من شما را از صاعقه‌ای همانند صاعقه عاد و ثمود می‌ترسانم!(۱۳)در آن هنگام که رسولان از پیش رو و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند (و آنان را دعوت کردند) که جز خدا را نپرستید آنها گفتند: «اگر پروردگار ما می‌خواست فرشتگانی نازل می‌کرد؛ از این رو ما به آنچه شما مبعوث به آن هستید کافریم!»(١٤)

۸ بهانه تراشی قوم ثمود

۶ـ انکار عذاب الهی

الحاقه/۴ و ۵ ـ ۸

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَ عَادٌ بِالْقَارِعَةِ (٤) فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (٥) فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (٨)(الحاقه)

قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند)!(٤)امّا قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند!(٥)آیا کسی از آنها را باقی می‌بینی؟!(٨)

۹ـ دلیل گمراهی قوم ثمود

۱ـ سرخوشی در نعمت های فراوان
۲ـ لجاجت وخیره سری
۳ـ غروروسرمستی
۴ـ برخورداری از تمدن و شهرسازی(به خیال خودشان همیشه در امان هستند و هیچ حادثه ای آنها را به خطر نمی اندازد)
۵ـ کبرمانع از ایمان آوردن به خدای یگانه
۶ـ نصیحت ناپذیری
۷ـ تقلید کورکورانه از گذشتگان خود
۸ـ نادیده گرفتن حقیقت به دنبال آن زیبا جلوه دادن اعمالشان توسط شیطان
۹ـ طغیان گری

۹ دلیل گمراهی قوم ثمود

۱ ـ سرخوشی در نعمت های فراوان

اعراف/۷۴

وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُوراً وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتاً فَاذْكُرُوا آلاَءَ اللَّهِ وَ لاَ تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (٧٤) (اعراف)

و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم «عاد» قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می‌کنید؛ و در کوه‌ها، برای خود خانه‌ها می تراشید! بنابر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید!»(٧٤)

۹ دلیل گمراهی قوم ثمود

۲ـ لجاجت و خیره سری

ابراهیم/۹

أَ لَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لاَ يَعْلَمُهُمْ إِلاَّ اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَ قَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَ إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (۹)

[اینها با بیان اینکه مابه آنچه شما آورده اید ، در آن شک و تردید داریم لجبازی کرده و با این شیوه خواسته اند پیامبر خود را مجبور به سکوت کنند]

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسید؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و آنها که پس از ایشان بودند؛ همانها که جز خداوند از آنان آگاه نیست؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، ولی آنها (از روی تعجّب و استهزا) دست بر دهان گرفتند و گفتند: «ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم! و نسبت به آنچه ما را به سوی آن می‌خوانید، شکّ و تردید داریم!»(۹)

۹ دلیل گمراهی قوم ثمود

۳ـ غرور و سرمستی

شعراء/۱۴۶ الی ۱۵۰

أَ تُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ (١٤٦) فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (١٤٧) وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (١٤٨) وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً فَارِهِينَ (١٤٩) فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ (١٥٠)

آیا شما تصوّر می‌کنید همیشه در نهایت امنیّت در نعمتهایی که اینجاست می‌مانید،(۱۴۶)در این باغها و چشمه‌ها،(۱۴۷)در این زراعتها و نخلهایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است؟!(۱۴۸)و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید، و در آن به عیش و نوش می‌پردازید!(۱۴۹)پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید!(۱۵۰)

۹ دلیل گمراهی قوم ثمود

۴ـ برخورداری از تمدن و شهرسازی(به خیال خودشان همیشه در امان هستند و هیچ حادثه ای آنها را به خطر نمی اندازد)

اعراف/۷۴

وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُوراً وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتاً فَاذْكُرُوا آلاَءَ اللَّهِ وَ لاَ تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (٧٤)

و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم «عاد» قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می‌کنید؛ و در کوه‌ها، برای خود خانه‌ها می تراشید! بنابر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید!»(٧٤)

حجر/۸۲

وَ كَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً آمِنِينَ (٨٢)

آنها خانه‌های امن در دل کوه‌ها می‌تراشیدند.(۸۲)

فجر/۹

وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (٩)

و قوم «ثمود» که صخره‌های عظیم را از (کنار) درّه می‌بریدند (و از آن خانه و کاخ می‌ساختند)!(۹)

۹ دلیل گمراهی قوم ثمود

۵ـ کبر مانع از ایمان آوردن آنان به خدای یگانه

اعراف /۷۶

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (٧٦)

متکبران گفتند: «(ولی) ما به آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید، کافریم!»(۷۶)

۹ دلیل گمراهی قوم ثمود

۶ـ نصیحت ناپذیری

اعراف /۷۹

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لٰكِنْ لاَ تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (۷۹)

(صالح) از آنها روی برتافت؛ و گفت: «ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید!»(۷۹)

۹ دلیل گمراهی قوم ثمود

۷ـ تقلید کورکورانه از گذشتگان خود

هود /۶۲

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوّاً قَبْلَ هٰذَا أَ تَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَ إِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (٦٢)

گفتند: «ای صالح! تو پیش از این، مایه امید ما بودی! آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، نهی می‌کنی؟! در حالی که ما، در مورد آنچه به سوی آن دعوتمان می‌کنی، در شک و تردید هستیم!»(٦٢)

۹ دلیل گمراهی قوم ثمود

۸ـ نادیده گرفتن حقیقت به دنبال آن زیبا جلوه دادن اعمالشان توسط شیطان

عنکبوت /۳۸

وَ عَاداً وَ ثَمُودَ وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (۳۸)(عنکبوت)

ما طایفه «عاد» و «ثمود» را نیز (هلاک کردیم)، و مساکن (ویران شده) آنان برای شما آشکار است؛ شیطان اعمالشان را برای آنان آراسته بود، از این رو آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که بینا بودند.(۳۸)

۹ دلیل گمراهی قوم ثمود

۹ـطغیان گری

شمس /۱۱

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

قوم «ثمود» بر اثر طغیان، (پیامبرشان را) تکذیب کردند،(۱۱)

۱۰ـ توطئه قوم ثمود علیه پیامبر خود

۱ـ شبیخون به حضرت صالح با هدف به قتل رساندن ایشان و خانواده اش

۲ـ کید آنان علیه حضرت صالح

۳ـ اقدام شقی ترین آنان در پی کردن ناقه الله(انتخاب شقی ترین فرد از میان خود)

۱۰ توطئهٔ قوم ثمود علیه پیامبر خود

۱ـ شبیخون به حضرت صالح با هدف به قتل رساندن ایشان وخانواده اش

نمل /۴۸ و ۴۹

وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لاَ يُصْلِحُونَ (٤٨) قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَ أَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ (٤٩)

و در آن شهر، نه گروهک بودند که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند.(۴۸)آنها گفتند: «بیایید قسم یاد کنید به خدا که بر او [صالح] و خانواده اش شبیخون می زنیم (و آنها را به قتل می‌رسانیم؛) سپس به ولیّ دم او می‌گوییم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم!»(۴۹)

۱۰ توطئهٔ قوم ثمود علیه پیامبر خود

۲ـ کید آنان علیه پیامبر خود

نمل /۵۰ الی ۵۲

وَ مَكَرُوا مَكْراً وَ مَكَرْنَا مَكْراً وَ هُمْ لاَ يَشْعُرُونَ (۵۰) فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱) فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵۲)

آنها نقشه مهمّی کشیدند، و ما هم نقشه مهمّی؛ در حالی که آنها درک نمی‌کردند!(۵۰)بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم؛(۵۱)این خانه‌های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند!(۵۲)

۱۰ توطئهٔ قوم ثمود علیه پیامبرخود

۳ـ اقدام شقی ترین آنان در پی کردن ناقه الله(انتخاب شقی ترین فرد از میان خود)

شمس / ۱۲ الی ۱۴

إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲) فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَ سُقْيَاهَا (۱۳) فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱٤)

آنگاه که شقی‌ترین آنها بپاخاست،(۱۲) و فرستاده الهی [صالح] به آنان گفت: «ناقه خدا [همان شتری که معجزه الهی بود] را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید)!»(۱۳)ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند)؛ از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر گناهانشان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد!(۱٤)

۱۱ ـ سرانجام شوم مکذبین

۱ ـ مکر خدا علیه قوم ثمود
۲ ـ عذاب خداوند بعد از فرصت دادن
۳ـ سه روز مهلت دادن
۴ـ نزول عذاب صبحگاهان
۵ـ گرفتار شدن در عذاب سخت الهی
۶ـ عدم مهلت جهت بازگشت ازعذاب الهی(محقق شدن عذاب الهی)
۷ـ قطعی بودن هلاکت ظالمان
۸ـ نابودی ساکنان قوم ثمود(نفرین خداوند بر آنان)
۹ـ نجات حضرت صالح و ایمان آورندگان

۱۱ سرانجام شوم مکذّبین

۱ـ مکر خدا علیه قوم ثمود

نمل /۵۰ الی ۵۲

وَ مَكَرُوا مَكْراً وَ مَكَرْنَا مَكْراً وَ هُمْ لاَ يَشْعُرُونَ (۵۰) فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱) فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵۲)

آنها نقشه مهمّی کشیدند، و ما هم نقشه مهمّی؛ در حالی که آنها درک نمی‌کردند!(۵۰)بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم؛(۵۱)این خانه‌های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند!(۵۲)

۱۱ سرانجام شوم مکذّبین

۲ـ عذاب خداوند بعد از فرصت دادن

حج/۴۲ الی ۴۳

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ ثَمُودُ (٤٢) وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ (٤٣) وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كُذِّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (٤٤)

اگر تو را تکذیب کنند، (امر تازه‌ای نیست؛) پیش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند.(۴۲)و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط؛(۴۳)و اصحاب مدین (قوم شعیب)؛ و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد؛ امّا من به کافران مهلت دادم، سپس آنها را مجازات کردم. دیدی چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟!(۴۴)

۱۱ سرانجام شوم مکذّبین

۳ـ سه روز مهلت دادن

هود /۶۵

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ (٦٥)

(اما) آنها آن (ناقه) را از پای در آوردند! و (صالح به آنها) گفت: «(مهلت شما تمام شد!) سه روز در خانه‌هایتان بهره‌مند گردید؛ (و بعد از آن، عذاب الهی فرا خواهد رسید؛) این وعده‌ای است که دروغ نخواهد بود!»(٦٥)

۱۱ سرانجام شوم مکذّبین

۴ـ نزول عذاب صبگاهان

حجر/۸۲ الی ۸۴

وَ كَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً آمِنِينَ (۸۲) فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ (۸۳) فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸٤)

آنها خانه‌های امن در دل کوه‌ها می‌تراشیدند.(۸۲)امّا سرانجام صیحه (مرگبار)، صبحگاهان آنان را فرا گرفت؛(۸۳)و آنچه را به دست آورده بودند، آنها را از عذاب الهی نجات نداد!(۸٤)

۱۱ سرانجام شوم مکذّبین

۵ـ گرفتار شدن در عذاب سخت الهی

اعراف / ۷۸

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۷۸)

سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛ و صبحگاهان، (تنها) جسم بی‌جانشان در خانه‌هاشان باقی مانده بود.(۷۸)

هود/۶۷

وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (٦٧)

و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحه (آسمانی) فروگرفت؛ و در خانه‌هایشان به روی افتادند و مردند...(٦٧)

الذاریات/۴۳ الی ۴۵

وَ فِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّى حِينٍ (٤٣) فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ (٤٤) فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَ مَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ (٤٥)

و نیز در سرگذشت قوم «ثمود» عبرتی است در آن هنگام که به آنان گفته شد: «مدّتی کوتاه بهره‌مند باشید (و سپس منتظر عذاب)!»(٤٣)آنها از فرمان پروردگارشان سرباز زدند، و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که (خیره خیره) نگاه می‌کردند (بی‌آنکه قدرت دفاع داشته باشند)!(٤٤)چنان بر زمین افتادند که توان برخاستن نداشتند و نتوانستند از کسی یاری طلبند!(٤٥)

قمر/۳۰و۳۱

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرِ (٣٠) إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ (٣١)

پس (بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود!(٣٠)ما فقط یک صیحه [صاعقه عظیم] بر آنها فرستادیم و بدنبال آن همگی بصورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب چهارپایان (در آغل) جمع‌آوری می‌کند!(٣١)

۱۱ سرانجام شوم مکذّبین

۶ـ عدم مهلت جهت بازگشت از عذاب الهی (محقق شدن عذاب الهی)

ص / ۱۵

وَ مَا يَنْظُرُ هٰؤُلاَءِ إِلاَّ صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ (۱۵)

اینها (با این اعمالشان) جز یک صیحه آسمانی را انتظار نمی‌کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد (و همگی را نابود می‌سازد)!(۱۵)

۱۱ سرانجام شوم مکذّبین

۷ـ قطعی بودن هلاکت ظالمان

ابراهیم / ۱۳

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳)

(ولی) کافران به پیامبران خود گفتند: «ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به آیین ما بازگردید!» در این حال، پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: «ما ظالمان را هلاک می‌کنیم!(۱۳)

۱۱ سرانجام شوم مکذّبین

۸ـ نابودی ساکنان قوم ثمود(نفرین خداوند بر آنان)

هود / ۶۸

كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلاَ إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلاَ بُعْداً لِثَمُودَ (٦٨)

آنچنان که گویی هرگز ساکن آن دیار نبودند! بدانید قوم ثمود، پروردگارشان را انکار کردند! دور باد قوم ثمود (از رحمت پروردگار)!(٦٨)

نجم / ۵۱

وَ ثَمُودَ فَمَا أَبْقَى (٥١)

و همچنین قوم «ثمود» را، و کسی از آنان را باقی نگذارد!(٥١)

۱۱ سرانجام شوم مکذّبین

۹ـ نجات حضرت صالح و ایمان آورندگان

هود / ۶۶

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحاً وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (٦٦)

و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم؛ چرا که پروردگارت قوی و شکست ناپذیر است!(٦٦)

نمل / ۵۳

وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ (۵۳) (نمل)

و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم!(۵۳)

۱۲- عبرت آموزی آیندگان از آثار گذشتگان

۱ـ احاطهٔ خداوند بر رفتار اقوام گذشته و آینده
۲ـ عبرت آموزی از سرگذشت قوم ثمود و اقوام گذشته
۳ـ پی کردن یک نفرو فراگیر بودن عذاب الهی(همه باانتخاب فرد شقی وراضی به پی کردن ناقه در آن گناه شریک بودند)
۴ـ درک حقیقت با سیر در زمین وبررسی تاریخ گذشتگان
۵ـ عاقبت کفر و انکار دعوت انبیاء(هلاکت و نابودی اقوام طغیانگر)
۶ـ آگاهی دادن واتمام حجت قبل از نزول عذاب
۷ـ فرصت کافی برای توبه به هر قومی قبل از هلاکت آن
۸ـ عدم تخلف خدا از وعدهٔ عذاب
۹ـ پاسخ ظلم توسط خداوند در دنیا وآخرت
۱۰ـ مجازات سخت خداوند
۱۱ـ عذاب و نابودی اقوام ظالم و کافر نعمتی از جانب خدا
۱۲ـ عدم ترس و بیم نداشتن خداوند از مجازات سرپیچی کنندگان فرمان الهی
۱۳ـ نجات بشر در گرو ایمان و تقوا

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از آثار گذشتگان

۱ـ احاطهٔ خداوند بر رفتار اقوام گذشته

بروج / ۲۰

وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ (۲۰)

و خداوند به همه آنها احاطه دارد!(۲۰)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از آثار گذشتگان

۲ـ عبرت آموزی از سرگذشت قوم ثمود و اقوام گذشته

توبه /۷۰

أَ لَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَ أَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ الْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۷۰)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [قوم لوط]؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛) خداوند به آنها ستم نکرد، امّا خودشان بر خویشتن ستم می‌کردند!(۷۰)

حج /۴۵

فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ (۴۵)

چه بسیار شهرها و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه‌ای که بر سقفهای خود فروریخت! (نخست سقفها ویران گشت؛ و بعد دیوارها بر روی سقفها!) و چه بسیار چاه پر آب که بی‌صاحب ماند؛ و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع!(۴۵)

الذاریات/۴۳ الی ۴۵

وَ فِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّى حِينٍ (۴۳) فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ (۴۴) فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَ مَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ (۴۵)

و نیز در سرگذشت قوم «ثمود» عبرتی است در آن هنگام که به آنان گفته شد: «مدّتی کوتاه بهره‌مند باشید (و سپس منتظر عذاب)!»(۴۳)آنها از فرمان پروردگارشان سرباز زدند، و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که (خیره خیره) نگاه می‌کردند (بی‌آنکه قدرت دفاع داشته باشند)!(۴۴)چنان بر زمین افتادند که توان برخاستن نداشتند و نتوانستند از کسی یاری طلبند!(۴۵)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از آثار گذشتگان

۳- پی کردن یک نفرو فرا گیر بودن عذاب الهی(همه با انتخاب فرد شقی وراضی به پی کردن ناقه در آن گناه شریک بودند)

شمس / ۱۳ و ۱۴

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَ سُقْيَاهَا (۱۳) فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱٤)

و فرستاده الهی [صالح] به آنان گفت: «ناقه خدا [همان شتری که معجزه الهی بود] را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید)!»(۱۳) ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند)؛ از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر گناهانشان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد!(۱٤)

(نتیجه :انسان به راضی بودن گناهی که دیگران انجام می دهندویا با انتخاب فرد گناهکار و خاطی در گناه آن فرد شریک است هرچند خود گناه را مرتکب نشده باشد)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۴ـ درک حقیقت با سیر در زمین و بررسی تاریخ گذشتگان

حج /۴۶

أَ فَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لاَ تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (٤٦)

آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دلهایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوشهای شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشمهای ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دلهایی که در سینه‌هاست کور می‌شود.(٤٦)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۵ـ عاقبت کفر و انکار دعوت انبیاء(هلاکت و نابودی اقوام طغیانگر)

هود / ۸۹ و ۹۵

وَ يَا قَوْمِ لاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَ مَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ (۸۹) كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلاَ بُعْداً لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ (۹۵)

و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید! و قوم لوط از شما چندان دور نیست!(۸۹)آنچنان که گویی هرگز از ساکنان آن (دیار) نبودند! دور باد مدین (و اهل آن) از رحمت خدا، همان گونه که قوم ثمود دور شدند!(۹۵)

فرقان / ۳۷ و۳۸

وَ قَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَ جَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَ أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَاباً أَلِيماً (۳۷)وَ عَاداً وَ ثَمُودَ وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُوناً بَيْنَ ذٰلِكَ كَثِيراً (۳۸)

و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساخته‌ایم!(۳۷)(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرّس [گروهی که درختان صنوبر را می‌پرستیدند] و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاک کردیم!(۳۸)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۶ـ آگاهی دادن واتمام حجت قبل از نزول عذاب

فرقان /۳۹

وَ كُلاًّ ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَ كُلاًّ تَبَّرْنَا تَتْبِيراً (۳۹)

(خداوند جهت دلداری پیامبر وتهدید مشرکان اشاره به نابودی اقوام گذشته دارد)

و برای هر یک از آنها مثلها زدیم؛ و (چون سودی نداد،) همگی را نابود کردیم!(۳۹)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۷ـ فرصت کافی برای توبه به هر قومی قبل از هلاکت آن

حج /۴۸

وَ كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (٤٨)

و چه بسیار شهرها و آبادیهایی که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمگر بودند؛ (امّا از این مهلت برای اصلاح خویش استفاده نکردند.) سپس آنها را مجازات کردم؛ و بازگشت، تنها بسوی من است!(٤٨)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۸ـ عدم تخلف خدا از وعدهٔ عذاب

حج / ۴۷

وَ يَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذَابِ وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ إِنَّ يَوْماً عِنْدَ رَبِّکَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (٤٧)

آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می‌کنند؛ در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلّف نخواهد کرد! و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمرید!(٤٧)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۹ـ پاسخ ظلم توسط خداوند در دنیا و آخرت

غافر/ ۳۰ الی ۳۲

وَ قَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ (۳۰)مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْماً لِلْعِبَادِ (۳۱) وَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (۳۲)

آن مرد باایمان گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم!(۳۰)و از عادتی همچون عادت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند (از شرک و کفر و طغیان) می‌ترسم؛ و خداوند ظلم و ستمی بر بندگانش نمی‌خواهد.(۳۱)ای قوم من! من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را صدا می‌زنند (و از هم یاری می‌طلبند و صدایشان به جایی نمی‌رسد) بیمناکم!(۳۲)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۱۰ـ مجازات بسیارسخت خدا

بروج /۱۲و۱۷و۱۸و۱۹

إِنَّ بَطْشَ رَبِّکَ لَشَدِيدٌ (۱۲) هَلْ أَتَاکَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (۱۷) فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ (۱۸) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹)

گرفتن قهرآمیز و مجازات پروردگارت به یقین بسیار شدید است!(۱۲)آیا داستان لشکرها به تو رسیده است،(۱۷)لشکریان فرعون و ثمود؟!(۱۸)ولی کافران پیوسته در تکذیب حقند،(۱۹)

فجر/۱۳ و۱۴

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳) إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱٤)

به همین سبب خداوند تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت!(۱۳)به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است!(۱٤)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۱۱ـ عذاب و نابودی اقوام ظالم وکافر نعمتی از جانب پروردگار

نجم /۴۲ الی ۵۵

وَ أَنَّ إِلَى رَبِّکَ الْمُنْتَهَى (٤٢) وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَکَ وَ أَبْکَى (٤٣) وَ أَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَ أَحْيَا (٤٤) وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثَى (٤٥) مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى (٤٦) وَ أَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى (٤٧) وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَ أَقْنَى (٤٨) وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرَى (٤٩) وَ أَنَّهُ أَهْلَکَ عَاداً الْأُولَى (٥٠) وَ ثَمُودَ فَمَا أَبْقَى (٥١) وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ کَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَ أَطْغَى (٥٢) وَ الْمُؤْتَفِکَةَ أَهْوَى (٥٣) فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى (٥٤) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّکَ تَتَمَارَى (٥٥)

(و آیا از کتب پیشین انبیا به او نرسیده است) که همه امور به پروردگارت منتهی می‌گردد؟!(۴۲)و اینکه اوست که خنداند و گریاند،(۴۳)و اوست که میراند و زنده کرد،(۴۴)و اوست که دو زوج نر و مادّه را آفرید...(۴۵)از نطفه‌ای هنگامی که خارج می‌شود (و در رحم می‌ریزد)،(۴۶)و اینکه بر خداست ایجاد عالم دیگر (تا عدالت اجرا گردد)،(۴۷)و اینکه اوست که بی‌نیاز کرد و سرمایه باقی بخشید،(۴۸)و اینکه اوست پروردگار ستاره «شعرا»!(۴۹)(و آیا به انسان نرسیده است که در کتب انبیای پیشین آمده) که خداوند قوم «عاد نخستین» را هلاک کرد؟!(۵۰)و همچنین قوم «ثمود» را، و کسی از آنان را باقی نگذارد!(۵۱)و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنان از همه ظالمتر و طغیانگرتر بودند!(۵۲)و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) را فرو کوبید،(۵۳)سپس آنها را با عذاب سنگین پوشانید!(۵۴)(بگو:) در کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید داری؟!(۵۵)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۱۲ـ عدم ترس و بیم نداشتن خداوند از مجازات سرپیچی کنندگان فرمان الهی

شمس /۱۵

وَ لاَ یَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

و او هرگز از فرجام این کار [مجازات ستمگران] بیم ندارد!(۱۵)

۱۲ عبرت آموزی آیندگان از گذشتگان

۱۳ـ نجات بشر در گرو ایمان و تقوا

نمل / ۵۳

وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ (۵۳)

و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم!(۵۳)

موضوع

۱۳ـ شریک بودن افراد جامعه در رضا و غضب الهی

۱ـ فرمایش امام علی «علیه السلام» در نهج البلاغه

۱۳ شریک بودن افراد جامعه در رضا و غضب الهی

۱ ـ فرمایش امام علی «علیه السلام»در نهج البلاغه

خطبه / ۲۰۱

...ایُّها النّاسُ، انَّما یجمع النّاسَ الرِّضَی و السَّخطُ، و انَّما عَقَرَ ناقَةَ ثَمودَ رَجُلٌ واحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللهُ بالعذابِ لَمّا عَمُّوهُ بالرِّضَی فقالَ سبحانه«فَعَقَرُوها فَأَصبَحُوا نادمین» فما کان الّا أَن خارَت أَرضُهُم بالخَسفَةِ خُوارَ السَّکَّةِ المُحمَاةِ فی الارضِ الخَوَّارَةِ. أَیُّها النّاسُ مَن سَلَکَ الطَّریقَ الواضِحَ وَرَدَ الماءَ الواضِحَ وَرَدَ الماءَ و مَن خالَفَ وَقَعَ فی التّیهِ

...ای مردم، همه افراد جامعه در خشنودی و خشم شریک می باشند، چنانکه شتر ماده ثمود را یک نفر دست و پا برید، امّا عذاب آن تمام قوم ثمود را گرفت ، زیرا همگی آن را پسندیدند.خداوند سبحان می فرماید :«ماده شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند.»سرزمین آنان چونان آهن گداخته ای که در زمین نرم فرو رود، فریادی زد و فرو ریخت، ای مردم آن کس که ازراه آشکار برود به آب میرسد، و هر کس از راه راست منحرف شود سرگردان می ماند.

۱۴ آموزه ها و پند های قصهٔ ثمودیان و حضرت صالح(ع)

خسران و زیان انسان:

۱- اطاعت ازمستکبرین، مسرفین و دنیا پرستان
۲-شریک بودن انسان در اعمال منتخب خود (انتخاب غلط می تواند همهٔ انسانها را به ورطهٔ نابودی بکشاند)
۳-اعمال قوم عامل بدبختی آنان
۴-غرور و طغیان گری و دنیا طلبی سبب گمراهی و ضلالت انسانها
۵-فریفتن امنیت ظاهری و نعمت های دنیا و مغرور شدن به آنها

رستگاری انسان در:

۱-داشتن تقوای الهی و اطاعت از رهبران الهی
۲-صبر و توکل مؤمنین برخدا

پایان